



دوفصلنامه علمی تخصصی پژوهش‌های علوم عقلی
سال اول، شماره اول، پاییز و زمستان ۱۴۰۳

مقاله تخصصی

ارزیابی تحلیلی انگاره همسانی هوش مصنوعی و نفس انسانی

محمد مهدی اویسی^۱



چکیده

امروزه، هوش مصنوعی و رایانه‌های پیشرفته، جزء جدایی‌ناپذیر زندگی هر انسانی است و زندگی و اشتغال بسیاری از انسان‌ها به وسیله هوش مصنوعی اداره می‌شود. یکی از مهم‌ترین مسائل حوزه هوش مصنوعی، انگاره همسانی هوش مصنوعی با نفس انسانی است، یعنی آیا می‌توان همان عملکردی را که انسان دارد، دقیقاً از هوش مصنوعی انتظار داشت؟ از آنجا که این مسئله، مسئله تقریباً جدیدی است، یا پاسخ‌های مناسبی در این زمینه موجود نیست و یا پاسخ‌های موجود، غیر محققانه است. به همین سبب، مقاله حاضر به روش عقلی-تحلیلی و بر مبنای فلسفه اسلامی و فلسفه غرب به ارزیابی نقدهای موجود و ارزیابی نظریه همسانی طبق دیدگاه پیوندگرایانه پرداخته است. نتیجه به دست آمده از تحقیق حاضر، عدم همسانی هوش مصنوعی با نفس انسانی بنا بر هر دو فلسفه اسلامی و فلسفه غرب است و علت این امر، عدم امکان همسانی هوش مصنوعی با انسان در قوه اختیار انسانی و عدم همسانی در جنس علم و ادراک است.

کلیدواژه‌ها:

ادراک انسان، قوه‌های نفس انسانی، هوش مصنوعی، قوه اختیار.

مسئله هوش مصنوعی، یکی از مهم‌ترین مسائل فلسفه و علوم تجربی معاصر است و بحث اصلی آن، این است که آیا ماشین نیز هوشمند است و آیا ماشین می‌تواند با انسان همسان باشد؟ اهمیت این مسئله آنجا روشن می‌شود که می‌بینیم زندگی آینده دنیا وابسته به این تکنولوژی است. امروزه، در موارد بسیاری از هوش مصنوعی استفاده می‌شود، که اگر پذیرفته شود ماشین نیز هوشمند و همسان با انسان است، آنگاه می‌توان تمام مسئولیت‌های انسان را به ماشین سپرد، مانند پزشکی و اجتهاد، لکن امروزه، دانشمندان، منکر همسانی شده‌اند و به همین دلیل استفاده از هوش مصنوعی را محدود کرده‌اند.

هوش مصنوعی به معنای ضعیف آن در کامپیوترهای امروزی (اندروید/ویندوز) موجود است. اساساً هسته کامپیوتر بر مبنای حداقل هوش مصنوعی، یعنی ریاضی شکل گرفته، اما سطح بالاتری از این هوش حتی در تلفن‌های همراه هم رواج یافته است، مانند اسکن تصاویر (چهره و انگشت)، خلاصه‌نویسی، تشخیص مضمون متن (تمجید، نفی، نهی، انکار و ...)، تشخیص ادامه متن و قابلیت‌های فراوان دیگر. با ملاحظه تحقق این سطح از هوش مصنوعی، هیچ یک از فلاسفه، منکر امکان تحقق و همسانی هوش مصنوعی به معنای ضعیف آن نمی‌شوند، چراکه بزرگ‌ترین دلیل بر امکان شیء، تحقق آن است و منکرین این دلیل فیلسوف نیستند، بلکه سفسطه‌گر هستند.

امروزه، اکثر مردم از هوش مصنوعی به معنای ضعیف آن استفاده می‌کنند، پس در وقوع و امکان هوش مصنوعی ضعیف شکی نیست، اما هوش مصنوعی به معنای قوی آن هنوز وقوع پیدا نکرده است و در امکان آن نیز توسط برخی فلاسفه مناقشه شده است که در ادامه به آن اشاره خواهد شد. از آنجاکه وقوع هوش مصنوعی ضعیف، جای هیچ شکی در امکان آن باقی نمی‌گذارد، محل نزاع و تشتت آرا، تنها در امکان تحقق هوش مصنوعی قوی، یعنی همسانی کامل هوش مصنوعی با انسان است. در بررسی و جمع‌آوری نظریات فلاسفه درمی‌یابیم که بسیاری از آنان، قائل به امتناع و عدم امکان تحقق این سطح از هوشمندی و همسانی برای ماشین شده‌اند و تنها اندکی از افراد، این امکان را تأیید کرده و به تحقق هوش مصنوعی قوی امید دارند.

براین اساس، بحث از امکان هوش مصنوعی به معنای ضعیف آن درست نیست و در این مقاله

تحقق این پدیده را مفروض گرفته و تنها به بررسی امکان تحقق حداکثر سطح همسانی هوش مصنوعی با توانایی های هوشمندانه انسان پرداخته می شود.

از بین دو رویکرد نشانه شناسانه و پیوندگرایانه، غرب در ابتدا ساخت هوش مصنوعی با رویکرد نشانه شناسانه را در پیش گرفته بود، ولی امروزه، اکثر فلاسفه غربی، این رویکرد را محکوم به شکست می دانند و رویکرد پیوندگرایانه را در پیش گرفته اند. در بین نظریات نشانه شناسانه موجود، نظریه فترز بهترین و کاملترین نظریه است (مؤمن نژاد، ۱۳۸۳، ص ۶۷). از این رو، تنها به بیان این نظریه اکتفا می کنیم که موجودات متفکر، از جمله انسان ها، نظام های نشانه شناسانه هستند (فترز، ۱۹۹۰م)، یعنی شناخت و فهم انسان، مانند کامپیوترها براساس نشانه ها و علائم است و تمامی علوم و ادراک بشر از عالم خارج دقیقاً، مانند کامپیوتر، نشانه ای است.

هدف این نوشتار، فراتر از سایر بحث ها و نظریات است، چراکه صرفاً به مسئله همسانی ماشین با انسان و امکان تحقق هوش مصنوعی ضعیف و قوی نمی پردازد، بلکه در این نوشتار، به اصل امکان همسانی هوش مصنوعی با نفس انسانی خواهیم پرداخت. به این معنی که آیا انسان، قادر به خلق موجودی همتا و یا برتر از خود هست؟ آیا اصل همسانی، جدا از ماشین امروزی یا ماشین موجود در آینده و ... در این عالم ممکن است؟ بنابراین، ابتدا به بررسی امکان همسانی در ماشین امروزی می پردازیم، سپس این همسانی را به عنوان اصل گرفته و فراتر از جزئیات بحث می کنیم.

با مشخص شدن این تعریف از هوش مصنوعی و اقسام و دیدگاه های مربوط به آن، روشن می شود که تحقیق و بررسی درباره تمام اقسام و دیدگاه ها درباره هوش مصنوعی از حیطه بحث این مقاله خارج است. بنابراین، این مقاله، تنها به بررسی هوش مصنوعی از دیدگاه پیوندگرایانه می پردازد.

با بررسی پژوهش های انجام شده در حوزه هوش مصنوعی، پنج پژوهش مربوط به موضوع مقاله حاضر یافت می شود. ابوذر تشکری صالح در مقاله ای با عنوان بررسی توانایی رقابت هوش مصنوعی با ذهن انسانی از منظر قرآن، در مجله شناخت قرآن، هوش مصنوعی را در مقابل ویژگی هایی قرار داده که قرآن برای انسان بیان کرده است و به این نتیجه رسیده است که هوش مصنوعی با تمام ابعاد وجودی انسان همسان نیست. همچنین علیرضا قائمی نیا در مقاله دین و هوش مصنوعی، در مجله



ذهن، ابتدا رویکردهای غربی هوش مصنوعی را نقد و بررسی کرده و سپس ویژگی‌هایی را بیان کرده که دین برای انسان پرشمرده است و در انتها، عدم همسانی هوش مصنوعی با نفس انسانی از منظر دین را نتیجه گرفته است.

در همین راستا، حسین مطلبی کربکندی و همکارانش در مقاله بررسی کارکرد هوش مصنوعی ضعیف در اقسام علم و آگاهی با توجه به مبانی معرفت‌شناسی صدرائیان، در فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، تنها به بررسی هوش مصنوعی به معنای ضعیف پرداخته‌اند. ایشان در ابتدا اقسام علم از دیدگاه حکمت متعالیه را بیان کرده، سپس انگاره همسانی را در هر قسم از علم بررسی می‌کند و در نتیجه همسانی هوش مصنوعی با نفس انسانی را رد کرده و تنها در بعضی از اقسام علم، به همسانی در عملکرد هوش مصنوعی و انسان قائل می‌شود. برخلاف سه مقاله پیشین، حسین مطلبی کربکندی و همکارانش در مقاله بررسی فلسفی امکان تحقق هوش مصنوعی قوی با توجه به دیدگاه‌های مختلف در مسئله ذهن و بدن، در مجله فلسفه ذهن، رویکردهای موجود درباره چیستی ذهن در فلسفه اسلامی و فلسفه غرب را ذکر کرده، سپس به بررسی امکان تحقق همسانی و یا ذهن داشتن هوش مصنوعی از تمام دیدگاه‌های مذکور پرداخته‌اند و در نتیجه به همسانی در فلسفه صدرائی و عدم امکان همسانی در فلسفه مشاء و اشراق دست یافته‌اند.^۱

محمد فروغی و همکاران ایشان هم در مقاله ادراک بصری در هوش مصنوعی و فلسفه ذهن، در دوفصلنامه علمی-ترویجی معارف عقلی، پس از بررسی رویکردهای هوش مصنوعی، به چگونگی پردازش انواع مختلف هوش مصنوعی پرداخته‌اند و با نقد اتاق چینی سرل، به همسانی هوش مصنوعی با نفس انسانی قائل شده‌اند.

با دقت در پژوهش‌های انجام شده، معلوم می‌شود که در بررسی‌های نقلی، همسانی را نقد کرده‌اند، ولی در بررسی‌های عقلی، قائل به امکان تحقق همسانی، حتی در بعضی رویکردها شده‌اند و دلیلی عقلی بر امتناع همسانی که قابل پذیرش باشد، ذکر نشده است. شایان ذکر است که در این نوشتار، نگارنده در تلاش است تا دلیلی عقلی بر امتناع همسانی ارائه دهد که مورد قبول فلسفه غرب و فلسفه اسلامی باشد و همچنین می‌کوشد به ادله عقلی امکان هوش مصنوعی که در مقاله‌های مذکور طرح شده است، پاسخ دهد.

تعریف هوش مصنوعی

هوش مصنوعی یا (Artificial Intelligence) واژه‌ای غربی است. بنابراین، ابتدا تعاریف فلاسفه غرب را بررسی می‌کنیم تا با تعریف و جایگاه آن در فلسفه غرب آشنا شویم، سپس جایگاه آن را در فلسفه اسلامی بررسی می‌کنیم.

فیلسوفان غربی، تعاریف متعددی از هوش مصنوعی بیان کرده‌اند. در این بین، جان سرل (John Searle) همه تعاریف را گردآوری کرده و آن‌ها را از جهت سطح همسانی ماشین با انسان، به دو دسته هوش مصنوعی قوی و هوش مصنوعی ضعیف تقسیم می‌کند:

۱. هوش مصنوعی ضعیف (Weak/Narrow AI): ماشینی است که قادر به همسانی با انسان در بعضی از اعمال هوشمندانه او باشد، مانند محاسبات ریاضی.
۲. هوش مصنوعی قوی (Strong/General AI): ماشینی است که قادر به همسانی در تمام قابلیت‌های هوشمندانه انسان باشد، مانند تخیل، فهم و یادگیری.

نظریات فلاسفه غرب در باب هوش مصنوعی را از جهت نوع و چگونگی همسانی ماشین با انسان می‌توان به دو دسته نشانه‌گرایانه و پیوندگرایانه تقسیم کرد: (مطلبی کربکندی، ۱۳۹۳، ص ۱۷۶)

۱. نشانه‌شناسانه (Symbolism): فکرکردن، یعنی محاسبه‌کردن. طبق این نظریه، اول اینکه، تفکر چیزی جز محاسبه نیست و دوم اینکه، افکار رمزهای پیاپی‌اند که ویژگی‌های نحوی و دلالت شناختی را با هم دارند (عباس‌زاده جهومی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۱).
۲. پیوندگرایانه (Connectionism): با برنامه‌ریزی می‌توان ماشین را به معنای حقیقی هوشمند کرد. روش تلاش برای ساخت هوش مصنوعی، روش مشابهت فیزیکی با انسان است، مانند نرون‌های مغز و پالس‌های الکتریکی کامپیوتر (Borchert, 2006, p444).

از بین تعاریف هوش، تاکنون تعریفی ارائه نشده است که مورد قبول همه اندیشمندان حوزه علوم ذهنی باشد. بعضی هوش را قسمی از ذهن و بعضی برابر با آن می‌دانند:

انسان در فلسفه اسلامی دارای قوای متعددی است، ولی تمام فلاسفه اسلامی بر این امر توافق دارند که نفس (قوه مجرد انسان)، مدیر و مدبر انسان است و انسان قبل از تعلق نفس، جسمی بیش نبوده و با جمادات هیچ فرقی نمی‌کند و حقیقت و فصل (منطقی) انسان را، عقل (تکلم) آن دانسته‌اند و این



عقل راقوهای از قوای نفس شمرده‌اند. از این رو، منظور از اصل همسانی با انسان، همسانی با او از نظر جسم و تمام خصوصیاتش نیست (برخلاف رویکرد پیوندگرایانه)، بلکه همسانی با همین قوه عاقله است، آن هم، نه از جهت تجردش، بلکه قوه عاقله از جهت تعقل آن مراد است.

نقدهای وارد شده بر انگاره همسانی هوش مصنوعی با نفس انسانی

در این نوشتار، تنها به رد انگاره همسانی هوش مصنوعی نمی‌پردازیم، بلکه برای بررسی تحلیلی انگاره همسانی هوش مصنوعی با نفس انسانی لازم است ابتدا نقدهای مطرح شده نسبت به این انگاره را بررسی و تحلیل کنیم، سپس خودمان این انگاره را بررسی کنیم. در این صورت است که جایگاه حقیقی هوش مصنوعی، محقق و انگاره همسانی به طور کامل بررسی خواهد شد. از طرفی، پاسخ دادن به ناقد، طبق مبانی مدافع فایده ندارد، بلکه دفاع درست باید طبق مبانی ناقد باشد، بنابراین، نقدهای اصل همسانی هوش مصنوعی با انسان را، از جهت مبانی به دو قسم نقدهای فلسفه اسلامی و فلسفه غرب تقسیم می‌کنیم و هریک را طبق مبنای خودش پاسخ خواهیم داد.

نقدهای وارد شده بنا بر دیدگاه فلسفه اسلامی

در فلسفه اسلامی برای اثبات امکان شیء، به معنای عدم ضرورت وجود و عدم ضرورت عدم یک شیء که آن را وجوب و امتناع مینامند، نسبت به وجوب هوش مصنوعی، همین عدم وجود فعلی دال بر عدم وجوب است و تنها مسئله امتناع تحقق آن باقی میماند، بنابراین، به جای ادله اثبات باید ادله امتناع را بررسی نماییم.

نقد اول: مادیت کامپیوتر و تجرد ادراک انسان

نظریه هوش مصنوعی از پیامدهای تجربه‌گرایی مادی در دهه‌های اخیر بوده و یکی از مبنایی‌ترین اصول آن، این است که انسان را موجودی تک‌ساحتی و کاملاً مادی می‌بینند، اما طرفداران دو بعدی بودن وجود انسان (فلاسفه اسلامی و بعضی از فلاسفه غرب)، در مسئله ادراک می‌گویند: «ادراک، امری مجرد است و حلول موجود مجرد در موجود مادی محال است» (تشکری صالح، ۱۳۹۷، ص ۸)؛ بنابراین، ممکن نیست ادراک در یک موجود به طور کاملاً مادی (هوش مصنوعی) تحقق یابد.

نقد دوم: امتناع تحقق علم در مادیات

۱. بر مبنای فلسفه صدرایی، حقیقت علم چیزی نیست جز حضور معلوم نزد عالم: «العلم عبارة عن

وجود الشیء لشیء و حضوره عنده» و نفس انسانی به علت تجرد، واجد ویژگی‌های آگاه شدن است.

۲. اگر موجودی صرفاً مادی باشد، امکان حصول معرفت برای آن منتفی است: «کُلّ جسمانیة الکون غیر شاعر لا بذاته ولا بغيره» این، همان قاعده مشهور در فلسفه اسلامی است که اذعان می‌کند که «کل عاقل یجب ان یکون مجردا عن المادة» و تمامی بزرگان فلسفه اسلامی به این مطلب اذعان دارند و بر آن برهان اقامه نموده‌اند (مطلبی کربکندی، ۱۳۹۴، ص ۶).

ارزیابی نقد اول و دوم

طبق نظر صدرالمتألهین، علم در تمام موجودات جاری است، ولی به صورت تشکیکی و مخلوط با جهل است (که ذکر آن گذشت). پس هوش مصنوعی، به صرف همین ماده بودن، بهره‌ای هر چند کم از علم برده است. همچنین تصریح ایشان بر تشکیکی بودن علم، به این معنی است که علم بعضی از مادیات، برتر از علم سایرین است. بنابراین، می‌توان ماده‌های ساخت که علم او برتر از همه مادیات باشد و ماهیچ دلیلی برای محدودیت علم مادیات به کمتر از سطح مجردات (انسان) نداریم. در نتیجه زمانی که ماشین بتواند به علت مادی بودن خود، بهره‌ای هر چند کم از علم ببرد، چه دلیلی وجود دارد که نتواند آن را ارتقا دهد؟! در نتیجه با پذیرش علم در مادیات، امکان هوشمندی آنان اثبات می‌شود.

هر آنچه وجود دارد، حیات و علم و معرفت به پروردگارش هم دارد، اما در بسیاری از موجودات مادی، علم همانند وجود، با جهل و عدم ممزوج است (ملاصدرا، ۱۳۶۳). وجود مطلقاً، عین مطلق علم و شعور است. از این رو، عارفان الهی بر آن شده‌اند که موجودات به پروردگار خود آگاهی دارند و بر درگاهش سجده می‌گذارند (همان، ۱۳۶۸، ج ۸، ص ۱۶۴). پس ممکن است بدون تحقق بعد مجرد انسان برای ماشین و به صرف تحقق علم، هوش مصنوعی به صورت کاملاً مادی تحقق یابد و هوشمند شود و این اثبات مدعای ما به معنای غربی آن، یعنی همسانی هوش مصنوعی مادی با انسان است.

اشکال: علم مادیات در حکمت متعالیه

اکثر فلاسفه اسلامی، تعقل و ادراک را فقط در مجرد ممکن می‌دانند، به حدی که این قضیه تبدیل به یک قاعده شده است: «کُلّ عاقل یجب أن یکون مجرد» (ابراهیمی دینانی، ۱۳۸۰، ص ۳۰۲). همچنین، گرچه صدرالمتألهین، تمام موجودات را دارای علم می‌داند، ولی این علم را تشکیکی می‌داند و



علم مادیات را به حدی در مرتبه پایین می‌بیند که می‌گوید حتی خود مادیات به این علمشان، علم ندارند و این علم را همانند جهل بسیط، علم بسیط می‌نامد (ملاصدرا، ۱۳۶۸، ص ۱۱۶). بنابراین، هوش مصنوعی با وجود اینکه به دلیل مادی بودن علم دارد، ولی این میزان از علم، موجب همسانی با ذهن و ادراک انسان نمی‌شود و تنها راه همسانی تجرد است.

پاسخ

حکمت متعالیه، قائل به جسمانیة الحدوث و روحانیة البقا بودن انسان است، یعنی همین ماشین امروزی با همین سطح علم مادی که تنها توانایی درک علوم صوری را دارد، به مرور زمان و با ارتقای خود می‌تواند به تجرد و همسانی با انسان برسد. برای تأیید این مطلب می‌توان به کلام شهید مطهری اشاره کرد: «مبدأ تکون نفس، ماده جسمانی است. ماده، این استعداد را دارد که در دامن خود وجودی پیوراند که با ماوراء الطبیعه هم‌افق باشد. اساساً بین طبیعت و ماورای دیوار، طبیعت و حائل وجود ندارد. هیچ مانعی نیست که یک موجود مادی در مراحل ترقی و تکامل خود تبدیل شود به موجودی غیر مادی (مطهری، ۱۳۸۶، صص ۱۹-۲۶). در نتیجه، امکان همسانی هوش مصنوعی با نفس انسانی وجود دارد، ولی از طریق تعلق نفس مجرد به هوش مصنوعی.

نقد سوم: کامپیوتر فقط صفر و یک را درک می‌کند

برخی از مخالفان گفته‌اند که مهم‌ترین نقص هوش مصنوعی آن است که غیر از عدد صفر و یک را نمی‌فهمد. به تعبیر دیگر، کامپیوتر فقط «بله یا نه» را می‌فهمد و نمی‌تواند حالت‌های واسطه بین آن دو را بفهمد (قائم‌نیا، ۱۳۸۵، ص ۲۶).

ارزیابی

۱. صفر و یک، در حقیقت یک نام‌گذاری برای همان وجود و عدم است و صفر و یک در کامپیوتر دقیقاً همان وجود و عدم در عالم خارج است و دعوا فقط لفظی است. به تعبیر واضحتر، یک، وجود بار الکتریکی است و صفر، عدم آن است.
۲. قول به وجود حالت‌های واسطه بین صفر و یک در فلسفه اسلامی پذیرفته نیست و فیلسوفان و منطق‌یون بزرگ، همگی اذعان دارند که ذهن، قضایا و بلکه تمام دنیا و حقیقت ما بر

پایه صفر و یک است، ولی از آن با نام وجود و عدم یاد می‌کنند. شاهد آنکه، تمام قضایا (ذهنیات) به وجود و عدم برمی‌گردند. علامه طباطبائی رحمته الله علیه در این زمینه می‌گوید:

«فتقابل التناقض فی الحقيقة بین الايجاب والسلب (و ان شئت

فقل بین الوجود والعدم) ... هی (ای: التناقض) قضية بدیهية أولية

(یتوقف علیها صدق کل قضية مفروضة)» (طباطبائی، ۱۴۱۶ق،

صص ۱۴۷-۱۴۸).

این نام‌های متفاوت برای وجود و عدم، مانند صفر و یک یا ایجاب و سلب و...، موجب تغییر کامپیوتر با انسان نمی‌شود، بنابراین، عملکرد کامپیوتر دقیقاً مانند عملکرد ذهن انسان در درک یک قضیه است.

نقد چهارم: صفات انسان

۱. از نظر قرآن، انسان موجودی دارای بعد والای روحانی و مجرد است که می‌تواند با درک رابطه بندگی خود با خداوند و کسب معارف الهی از طرق مختلف، راه‌های کمال عرفانی را تا رسیدن به مقام خلیفه‌اللهی پیماید یا در قوس نزولی از هر موجودی پست‌تر شود و در دنیای پس از مرگ به سعادت ابدی یا شقاوت ابدی برسد.

۲. مقایسه چنین موجودی با یک جسم مادی که بیشترین توانایی او محدود به تقلید از مغز انسان در حل محاسبات ریاضی یا تحلیل داده‌های صرفاً مادی و برنامه‌ریزی براساس آن است، امر سخیفی است که جز با مبانی خودساخته مادی‌گرایان، نمی‌توان برای آن وجهی دست‌وپا کرد (تشکری صالح، ۱۳۹۷، صص ۱۸-۱۹).

ارزیابی

مقصود از امکان ساخت هوش مصنوعی و همسانی آن با نفس انسان، امکان ساخت ماشینی است که بتواند عملکرد عقل (نفس) انسان را داشته باشد. مقصود، آن نیست که انسان بسازیم و گرنه عنوان بحث، هوش مصنوعی نبود، بلکه عنوان، ساخت هوش بود. اشکال شما به صفاتی مانند امکان کمال و بعد روحانی است. این اشکال تنها زمانی وارد است که مقصود از هوش مصنوعی، ساخت و خلق انسان باشد، یعنی ماشین، تمام خصوصیات یک انسان را داشته باشد حتی مرگ و غیره، که این تعریف و مقصود شامل صفاتی که مستشکل می‌گویید، می‌شود، درحالی که در مقایسه



خصوصیات و صفات انسان با هدف محققان هوش مصنوعی مشخص می‌شود که هیچ یک از افرادی که قائل به هوش مصنوعی هستند قائل به همسانی در تمام خصوصیات نیستند و تنها همسانی عقل (نفس) را هدف می‌دانند که مثال واضح آن، خصوصیت مرگ و یا فراموشی است.

نقدهای وارد شده بنا بر دیدگاه فلسفه غرب

در بین فلاسفه غرب آرای زیادی از مدافعین انگاره همسانی هوش مصنوعی با نفس انسانی و ناقدین آن موجود است. مدافعین پیوندگرایی تاکنون توانسته‌اند نقدهای طرح شده را به خوبی پاسخ دهند. در این میان دو نقد از دریفوس و سرل که از اساسی‌ترین نقدهای موجود شمرده می‌شود، همچنان بی‌پاسخ مانده است. در اینجا تنها به ذکر این دو نقد بسنده خواهیم کرد.

نقد اول: نقش برنامه‌نویس

آنچه اسباب خلط پردازشگری معنادار انسانی و پردازشگری بی‌معنای رایانه‌ها را فراهم می‌آورد، نادیده گرفتن نقش برنامه‌نویس است. این دقیقاً نقش برنامه‌نویس است که گذر از جملاتی را که معنادار هستند (شامل اطلاعات در معنای معمولی) به رشته‌هایی از بیت‌های گسسته بی‌معنا (اطلاعات در معنای فنی) که رایانه‌ها با آن‌ها کار می‌کنند، ممکن می‌سازد (Dreyfus، ۱۹۷۹، ص ۷۸).

ارزیابی

همان‌طور که وجود یک مترجم باعث درک نکردن معنای کلمه یا ... نمی‌شود، هیچ‌گاه برنامه‌نویس مانع درک معنا توسط کامپیوتر نمی‌شود، چرا که باز هم پردازش اصلی و فهم معنا با کامپیوتر است. بله، برنامه‌نویس تنها مترجمی است که زبان انسان‌ها را به بیت (زبان کامپیوتر) ترجمه می‌کند، مانند مترجم عربی به فارسی، اما هیچ ترجمه‌ای باعث درک نکردن معنای مورد نظر نمی‌شود.

ترجمه کردن در الگوریتم‌های پیشرفته نیز وجود دارد. به عنوان مثال، اولین نرم‌افزار پیشرفته، داده‌های عددی، تصویری و ... را به بیت و سپس به پالس الکتریکی تبدیل می‌کرد و در نمایش به انسان، همین رویداد را برعکس اجرا می‌کرد. این تبدیل‌ها در واقع همان ترجمه‌ها هستند. بله، کامپیوتر در ابتدای ایجاد خود، فهمی نسبت به زبان و معانی انسانی ندارد و مانند یک فرد فارسی‌زبان

است که زبان عربی را متوجه نمی شود. این برنامه نویسی است که با زبان کامپیوتر با او سخن می گوید و او درک می کند. به عنوان مثال، زمانی که می خواهد به کامپیوتر بگوید:

«اگر متن داخل فیلد برابر با دوازده بود، در صفحه دوازده را نشان بده» می گوید:

«If(EditText.Text==12){Lable.Text="twelve"}»

اگر کامپیوتر نسبت به این متن درکی نداشته باشد، هیچ عکس العملی نشان نمی دهد و چیزی در صفحه چاپ نمی شود، در حالی که کامپیوتر تک تک حروف و کلمات این دستور را درک می کند و طبق آن عمل می کند.

نقد دوم: اتاق چینی

فردی انگلیسی که از زبان چینی چیزی نمی داند، با سؤالی به زبان چینی مواجه شود که مجبور به حل آن است، سپس نوشته ای انگلیسی پیدا می کند که می تواند با استفاده از آن، الگوی سؤال چینی را دریابد. اگر او به کمک این نوشته انگلیسی، الگوی نوشته چینی را استخراج کند و به آن سؤال پاسخ دهد، آیا این پاسخ صحیح، دلیل بر یاد داشتن زبان چینی است؟ آیا آن فرد انگلیسی، سؤالی را که به زبان چینی بوده است، درک کرده است یا فقط طبق الگو رفتار کرده است؟ سرل می گوید که کامپیوتر و هوش مصنوعی نیز چنین رفتار می کنند و فقط به صورت الگویی و صوری عمل می کنند و هیچ درکی نسبت به سؤال یا پاسخی که می دهند، ندارند (Searle، ۱۹۸۰؛ اکبری، ۱۳۸۰).

ارزیابی

در نسبت دادن آگاهی و شعور به ربات و خون آشام، این سوگیری ذهنی ما است که نقش دارد، نه صرف کارکردی که از آن ها مشاهده می کنیم. از این رو (برابری نتیجه آزمون اتاق چینی در انسان با ربات و خون آشام)، می توان نتیجه گرفت که ملاک ما برای نسبت دادن آگاهی به انسان و سلب آن از ربات فوق پیشرفته، ملاکی فلسفی نیست. حتی می توان آزمایش ذهنی را قدری پیچیده تر کرد و فرض کرد که به شخصی اطلاعات نادرست داده شود و گفته شود که انسان مورد آزمایش ربات است و ربات انسان است. خواهیم دید که از آن پس، شخص نخواهد توانست ویژگی شعور و هوش را به انسان (که به غلط ربات پنداشته شده است) نسبت دهد (فروغی، ۱۳۹۶، ص ۹۲).



اشکال

اشکال این پاسخ آن است که همسانی نتیجه و کارکرد را ملاک همسانی هوش مصنوعی با نفس انسان (و در نتیجه، فهمیدن مانند انسان را ملاک) دانسته است، لکن خود سرل در تبیین استدلال اتاق چینی اذعان دارد که اگر کسی معنای همسانی را همان برابری کارکرد (نتیجه) بداند، در همسانی هوش مصنوعی با انسان مشکلی ندارد، لکن این معنا و تفسیر از همسانی اشتباه است و ما آن را قبول نداریم، بلکه آنچه مهم است، درک معنایی است.

پاسخ

پاسخ این سؤال مانند پاسخ به نقد برنامه نویسی است. ما برای اینکه بگوییم کامپیوتر درک معنایی دارد از همسانی کارکرد استفاده نمی کنیم، بلکه می گوییم حتی اگر نتیجه، همسان نبود، خود این نتیجه دادن یعنی درک. درست است که ماشین هیچ گاه زبان انسان را درک نمی کند، چراکه نهادش به زبان دیگری است، اما در اصل درک، مهم نیست شخص چه زبانی را درک می کند. مهم این است که درک کند و ماشین هم درک می کند، ولی زبان خودش را. برای همین درک است که ماشین پس از شنیدن زبان خودش طبق آن عمل می کند و گرنه فرق آن با سنگ چیست؟

به زبان تمثیل می توان گفت اگر مترجمی، نوشته های چینی را به آن فرد انگلیسی زبان بیاموزد، آن فرد معنای نوشته چینی را کاملاً درک خواهد کرد، دقیقاً همین طور اگر برنامه نویسی، زبان انسان را با کدنویسی به ماشین بیاموزد، ماشین، مفاهیم زبان انسان را کاملاً درک خواهد کرد.

نقدهای موضوعی بر انگاره عقلی همسانی هوش مصنوعی با نفس انسانی

بسیاری از نقدهای وارد شده در این زمینه، فلسفی و منطقی نبوده، چراکه کامپیوتر و هوش مصنوعی امروزی (زمان منتقد) و یا یکی از رویکردهای نحوه تحقق هوش مصنوعی (مانند نمادگرایی) را نقد کرده اند و یک برهان کلی، عام و منطقی ارائه نداده اند. این گونه اشکالات به مرور زمان خودشان حل می شوند و اساساً پاسخ آن ها، تنها مرور زمان است، مانند:

۱. هیچ ماشینی، توانایی رسیدن به سطح یک بازیکن شطرنج خوب را ندارد (Dreyfus, ۱۹۷۳)، اما با گذر زمان طوری ماشین پیشرفته شده است که در همه کامپیوترها بازی شطرنج وجود دارد.

۲. هوش مصنوعی نمی‌تواند توانایی فهم تاریخ و عبرت‌گیری و فهم قوانین طبیعت را داشته باشد (قائم‌نیا، ۱۳۸۵، ص ۳۴).

۳. اشکال پردازش موازی (parallel processing).

۴. آزمون تورینگ، اگر ماشینی از این آزمون موفق بیرون آمد، هوشمند نام می‌گیرد، ولی این آزمون هم، به علت موضوعی بودن، دور زده شده و ماشین‌های معمولی در آن موفق شدند.

نظریه برگزیده

نقد‌های وارد شده مطرح و ارزیابی آن‌ها انجام شد. تحلیل هوش مصنوعی و نفس انسانی و همچنین مقایسه این دو با یکدیگر به منظور بررسی همسانی هوش مصنوعی با نفس انسانی نیز صورت گرفت. نکته قابل توجه این است که دو مانع و محذور عقلی از تحقق این همسانی ایجاد می‌شود که به عنوان دو نقد به انگاره همسانی هوش مصنوعی با نفس انسانی ذکر می‌گردد. البته این نکته شایان توجه است که نقد‌های ذیل، تنها از دیدگاه پیوندگرایانه است و نقد‌های دیگری بنا بر دیدگاه نشانه‌گرایانه نیز مطرح می‌شوند.

نقد اول: قوه اختیار و عملکردهای مبتنی بر آن

حقیقت و چیستی رایانه، چه در رایانه‌های پیشین و چه در هوش مصنوعی امروزی از یک حقیقت ساده (بله یا خیر/IF-Else) تشکیل شده است. در تمام محاسبات، از ضرب ماشین حساب‌های اولیه گرفته تا محاسبات پیچیده نجوم و هوش مصنوعی و غیره، همه، آنچه که فرق می‌کند، این است که ماشین‌ها تنها از زیرساخت (framework) به‌تر و نزدیک‌تر به زبان انسان استفاده می‌کنند. این گستردگی زیرساخت‌های هوش مصنوعی، هیچ‌گاه از اصل «بله یا خیر» فراتر نرفته و تنها نمای بهتری پیدا کرده‌اند.

با توجه به این بخش هستی هوش مصنوعی و توجه به بخش اختیار در هستی انسان، در اینجا چند تفاوت ساده به چشم می‌خورد:

۱. انسان می‌تواند بدون هیچ داده قبلی، تصمیم بگیرد و عمل کند، اما در تمامی رایانه‌ها باید ابتدا درخواستی باشد و توانایی پاسخ‌گویی به درخواست (حتی نمی‌دانم) هم تعریف شود. حتی در هوش مصنوعی این‌گونه نیست که رایانه خود اقدامی کرده باشد، بلکه تنها یک اقدام برنامه‌ریزی



شده را انجام داده است. بنابراین، هوش مصنوعی همیشه به دانش نیاز دارد، ولی انسان آن را کشف می‌کند، می‌سازد و انتقال می‌دهد و این فرآیند همیشه در دانش‌های اولیه طی می‌شود.

۲. انسان می‌تواند دقیقاً برخلاف دانشی که دارد عمل کند. این یک قدرت‌نمایی از اختیار انسان است به این معنی که آنچه می‌خواهم انجام می‌دهم، اما در رایانه‌ها، نه تنها این عمل محال است، بلکه برای دانشمندان این عرصه حتی فکر کردن به اینکه کامپیوتر در برابر داده بله، پاسخ خیر بدهد، مضحک است.

۳. در تحلیل مسائل، زمانی که اطلاعاتی که از یک مسئله در دسترس هست به تساوی طرفین مسئله می‌انجامد، انسان منتظر نمی‌ماند تا یک طرف پیشی گیرد، بلکه حتی با گفتن اینکه علاقه دارم، یک طرف را انتخاب می‌کند، ولی زمانی که رایانه و هوش مصنوعی به یک چند راهی مساوی می‌رسد، پاسخی به نام علاقه دارم برای او وجود ندارد و تنها بر دانش مساوی تکیه می‌کند، در نتیجه پاسخی نخواهد داد.

این جلوه‌های قدرت اختیار در انسان، نه تنها در هیچ ماشین و رایانه‌ای، بلکه در هیچ موجود دیگری هم یافت نمی‌شود.

نکته: این اشکال‌ها درباره بنیاد و اصل هوش مصنوعی است. اگر کسی در حالت تساوی موارد به ماشین بگوید که مورد اول را انتخاب کن و یا هر دو را رد کن و یا...، چنین چیزی به این معنی نیست که هوش مصنوعی، واقعاً این قدرت را دارد، بلکه یک نسخه از پاسخ انسان به داده‌های او اضافه شده است.

پاسخ اول

اگر هوش مصنوعی بتواند داده‌های را خود و بدون دخالت انسانی به دست آورد و سپس طبق آن عمل کند، در این هنگام است که بنا بر اراده خود عمل کرده است.

رد پاسخ

منشأ داده، انسان باشد یا خود آگاهی هوش مصنوعی، اصلاً مهم نیست. مهم آن است که انسان می‌تواند بدون هیچ داده قبلی یا برخلاف داده‌هایش عمل کند و این معنی تصمیم‌گیری است که هوش مصنوعی قادر به این امر نیست.

پاسخ دوم

تابع تصادف (Random)، یک تابع مشهور در برنامه‌نویسی است و در همه زبان‌های برنامه‌نویسی با نام‌های متفاوت موجود است که با آن می‌توان عدد و ... را که تصادفی باشد، به دست آورد. تصادف، همان انتخاب و تصمیم‌گیری بدون داده قبلی است یا حداقل به این منظور می‌توان از تصادف استفاده کرد.

رد پاسخ

تابع رندم در ظاهر، یک تصادف است. اگر به اسناد ارائه‌دهندگان این تابع کمی دقیق‌تر نگاه کنید، می‌بینید که خودشان این تابع را شبه تصادفی نامیده‌اند. به معنای اینکه، این تابع در حقیقت با استفاده از یک سری محاسبات ریاضی به علاوه داده‌های قبلی کار می‌کند. البته روش‌های زیادی برای ساخت یک رندم هست و خواهد بود، ولی همگی مبتنی بر محاسبات و استفاده از داده است. به عنوان مثال، تابع رندم در زبان C#:

Pseudo-random numbers are chosen with equal probability from a finite set of numbers. The chosen numbers are not completely random because a mathematical algorithm is used to select them, but they are sufficiently random for practical purposes (Microsoft).

اعداد شبه تصادفی با احتمال مساوی از مجموعه اعداد متناهی انتخاب می‌شوند. اعداد انتخاب شده کاملاً تصادفی نیستند، زیرا از یک الگوریتم ریاضی برای انتخاب آن‌ها استفاده می‌شود، اما برای اهداف عملی به اندازه کافی تصادفی هستند.

بنابراین، هوش مصنوعی دارای اختیار نبوده و قادر نیست اعمال انسانی را که مبتنی بر اختیار است، انجام دهد. این نقد بنا بر هر دو دیدگاه مطرح در دو فلسفه اسلامی و فلسفه غرب مطرح می‌گردد که مبتنی بر مجرد یا فقط مادی بودن انسان است و به صرف همین نقد، امکان همسانی هوش مصنوعی با نفس انسانی ممتنع می‌گردد.

نقد دوم: جنس ادراک انسان و جنس ادراک هوش مصنوعی

انگاره همسانی به دنبال همسانی هوش مصنوعی به معنای قوی آن با نفس انسان است. با اشکال اول، این انگاره رد می‌شود، اما با چشم‌پوشی از نقد اول، زمینه دیگری (با فرض اینکه هوش



مصنوعی، علم و دانش دارد و می‌تواند از دانش بهره‌بردار که باید به آن توجه داشت، این است که آیا این علم، درحقیقت علم است؟ آیا چستی و هستی این علم، همان هستی علم انسانی است یا چیزی علم‌نما است و تنها حفظ ظاهر و کارکرد شبیه به انسان آن، ما را وادار کرده است تا آن را علم بنامیم؟

در فلسفه اسلامی، این نفس انسان است که انسان است و علم دارد. در مورد نفس انسان، دو نظر در فلسفه اسلامی مطرح است:

۱. مشائیون و اشراقیون، نفس را جوهری ذاتاً مجرد و فعلاً مادی می‌دانند و آن را روحانیه‌الحدوث و البقاء می‌دانند (ابن سینا، ۱۴۰۴ق، ص ۱۹۹؛ سهروردی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۴۹۶).
۲. حکمت متعالیه به دلیل قائل شدن به حرکت جوهری، نفس انسان، بلکه هر موجودی را در ابتدای ایجاد مادی (جسمانی) می‌داند و جایز می‌داند هر نفسی پس از طی سیر تجرد، مجرد شود (ملاصدرا، ۱۳۶۸، ج ۸، ص ۳۴۷).

طبق هر دو دیدگاه فلسفه اسلامی درباره نفس انسانی، ادراک نفس که حاصل از بعد مجرد او است، هیچ‌گاه قابل مقایسه و قابل فرض برای یک موجود مادی نیست. حتی اگر بگوییم ماده، علم دارد، نمی‌توان گفت علم او مانند و همسان با یک موجود مجرد است. بنابراین، هرچقدر هم که هوش مصنوعی پیشرفته‌تر بشود و هرچقدر هم که بیشتر شبیه انسان‌ها بشود، علم او از جنس علم نخواهد بود، بلکه غیر علمی است که ظاهر علم دارد.

بعد از اینکه اثبات شد یک موجود مادی، فقط در ظاهر عالم است، ولی جنس علم او و هستی او با انسان همسان نیست، این سؤال پیش می‌آید که چرا همان‌طور که نفس انسانی به جسم انسان افاضه می‌شود، به هوش مصنوعی افاضه نشود؟ برای بررسی به‌تر این سؤال به صورت جداگانه، دو دیدگاه در فلسفه اسلامی را بررسی می‌کنیم.

بررسی دیدگاه مشاء و اشراق

بر مبنای هر دو دیدگاه مشاء و اشراق، عامل هوشمندی، نفس مجرد و کاملاً بری از ماده است که انسان نیز توانایی ایجاد این بخش مجرد را ندارد، چرا که محدوده اثر انسان، تنها عالم ماده است. پس این بخش مجرد باید همراه با بدن انسان توسط خالق ایجاد شود (کریکندی، ۱۳۹۳، ص ۱۹۱).

پاسخ

۱. نسبت به وجوب افاضه هم‌زمان نفس و بدن توسط خالق باید گفت مشاء و اشراق، نفس را مجرد می‌دانند، ولی آن را فاقد جسم نمی‌دانند، بلکه آن نیز در ابتدا جسمی دارد که به آن نفس مجرد تعلق می‌گیرد و پس از تعلق نفس، انسان خطاب می‌شود و تدبیر جسم به دست نفس است. در این صورت باز هم همسانی هوش مصنوعی امکان دارد، چراکه امکانش هست که هوش مصنوعی ابتدا جسمی باشد که سپس به آن نفس تعلق می‌گیرد و از این پس، آن را هوش مصنوعی خطاب می‌کنند.
۲. نسبت به عدم توانایی انسان بر افاضه نفس مجرده می‌توان به دو مطلب اشاره کرد:
 - آنکه افاضه نفس انسانی توسط موجود مادی و یا نفس‌های ضعیف ممکن نیست، ولی اصل علیت مجردی برای مجردی دیگر ممکن و (همان‌طور که در سلسله عقول هست) واقع نیز هست. بله، شکی نیست مجرد قوی باید مفیض باشد و این امر از نفوس انسانی به دور نیست.
 - افاضه نفس توسط خود انسان، لازمه تعلق نفس به هوش مصنوعی نیست، بلکه صرف تأمین معادات (جسم) توسط انسان و سپس افاضه نفس توسط خالق کفایت می‌کند و می‌توان هوش مصنوعی را پس از تعلق نفس هوشمند دانست.

اشکال

اگر چنین اتفاقی (تکامل ماشین به نفس) رخ دهد و در فرض مذکور، شبکه عصبی با حرکت رو به تکامل، به مرحله نفس حیوانی، سپس نفس ناطقه انسان ارتقا یابد، یعنی تمام ادراکات و کمالات بعد روحانی انسان را (که در حکمت متعالیه نیز این بعد کاملاً پذیرفته است) به دست آورد و به مجرد برسد، آیا به چنین موجودی جز انسان اطلاق می‌شود؟ (تشکری صالح، ۱۳۹۷، ص ۱۲).

پاسخ

بله، موجودی (هوش مصنوعی) که تمام دارایی‌های انسان را داشته باشد، همانند او است، ولی این موجود چیزی دارد که انسان‌های دیگر ندارند. هوش مصنوعی مخلوق انسان است. حتی اگر انسان به دلیل محدودیتش از مخلوقش عقب بماند، دلیل نمی‌شود که مخلوقش انسان نام گیرد، بلکه حتی اگر خودش، خودش را بسازد و کامل کند، باز مخلوق انسان است.

بررسی دیدگاه حکمت متعالیه

طبق این دیدگاه، انسان نیز در ابتدا مادی بوده و با سیر تکاملی خود، نفس مجرد را به دست آورده است. پس ممکن است به همین روش، این ماشین (هوش مصنوعی) که ابتدا مادی است با تکامل خود، نفس مجرد را به دست آورد.

نقد: فقط جسم انسان می تواند این سیر را طی کند و این سیر تکاملی برای همه موجودات ممکن نیست.

پاسخ

همان طور که بیان شد، این اصل حکمت متعالیه در تمام موجودات مادی جریان دارد: «مبدأ تکون نفس، مادة جسمانی است. ماده، این استعداد را دارد که در دامن خود وجودی پیرواند که با ماوراء الطبیعه هم افق باشد. اساساً بین طبیعت و ماورای طبیعت، دیوار و حائلی وجود ندارد. هیچ مانعی نیست که يك موجود مادی در مراحل ترقی و تکامل خود تبدیل شود به موجودی غیر مادی» (مطهری، ۱۳۸۶، صص ۱۹-۲۶).

نقد برگزیده بنا بر دیدگاه دوم

۱. قوه ادراک ماشین وابسته به پردازشگر (CPU) آن است و این پردازشگر، ذاتی او است.
۲. سلب و تغییر ذاتی محال است.
۳. اثبات شد که هوش مصنوعی در صورت عدم تجرد و مادی بودن بهره ای از علم نبرده است.
۴. در بررسی دیدگاه های فلسفه اسلامی درباره نفس انسان، معلوم شد که تعلق نفس به سایر موجودات ممتنع نیست، بلکه ممکن بالذات است.

لکن این امر در هوش مصنوعی ممکن نیست، چرا که با تعلق نفس به ماشین، قوه تفکر او نفس است و دیگر وابستگی به پردازنده قبلی خود (CPU) ندارد. این امر سبب انقلاب در ذات هوش مصنوعی است، چرا که در این صورت یا این شیء، دیگر ماشین نیست (چون هوش مصنوعی وابسته به پردازشگری مادی است) یا پردازشگر او همان پردازشگر قبلی است، نه نفس که در این صورت هوش مصنوعی مادی است. به عبارت دیگر تمام حقیقت و ذات هوش مصنوعی، پردازشگر او است و با تبدیل پردازشگر به نفس، سلب ذاتی اتفاق افتاده است.

❁ نتیجه‌گیری

از آنچه در این نوشتار بررسی و تحلیل شد، این نتیجه مهم به دست می‌آید که نمی‌توانیم در اداره امور خود بر هوش مصنوعی تکیه کنیم و این همسانی حداقل با رایانه مادی که براساس بله و خیر کار می‌کند، ممکن نیست و هوش مصنوعی تنها نوعی پیشرفته و نسلی جدید از همان کامپیوترهای قبلی است.

دو نقد عدم همسانی هوش مصنوعی در قوه اختیار و به تبع آن حل مسائلی که یک طرف بر دیگری ترجیح ندارد و سایر اموری که انسان بر آن قادر است، طرح گردید که مورد قبول همه فلاسفه است. همچنین نقد عدم همسانی جنس ادراک هوش مصنوعی با جنس ادراک انسان و عدم امکان افاضه نفس انسانی بر هوش مصنوعی بیان شد که تنها مورد قبول فلاسفه اسلامی و فلاسفه‌ای است که قائل به بعد مجرد انسان هستند.

در نتیجه بررسی فلسفی، عدم همسانی هوش مصنوعی با نفس انسانی نتیجه گرفته شد که این امر دلیل بر عدم استفاده از هوش مصنوعی به جای انسان است، لکن سوالی که ایجاد می‌شود این است که آیا با وجود عدم همسانی آیا همچنان می‌توان از هوش مصنوعی به جای انسان استفاده کرد که در بررسی هوش مصنوعی با رویکرد نشانه‌گرایانه باید به آن پرداخت.

پی‌نوشت

۱. ایشان در این مقاله، هوش مصنوعی قوی و در مقاله پیشین، هوش مصنوعی ضعیف و همچنین از دو منظر متفاوت بررسی کرده‌اند.

❁ فهرست منابع

۱. اکبری، رضا، آیا کامپیوتر دارای ذهن است؟، فصلنامه ذهن، شماره ۵.
۲. البهبهانی، السید علی، الفوائد العلیة، ج ۲، بهار ۱۳۸۰.
۳. ابراهیمی دینانی، غلام حسین، قواعد کلی فلسفی در فلسفه اسلامی، ج ۱، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۰.
۴. ابن سینا، حسین ابن عبدالله، الشفاء (الطبیعیات)، ج ۲، نفس، قم، مکتبه آیه الله مرعشی.
۵. تشکری صالح، ابوزر، بررسی توانایی رقابت هوش مصنوعی با ذهن انسانی از منظر قرآن، مجله شناخت قرآن، پیاپی ۲۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۷.
۶. زینلی، روح الله و دیگران، مبانی فلسفی صدرالمتألهین در اثبات علم تمام موجودات به خداوند، بهار-تابستان ۱۳۹۶، مجله آموزه‌های فلسفه اسلامی، شماره ۲۰، ۱۳۹۶.
۷. سبزواری، هادی بن مهدی، شرح المنظومة (تعلیقات حس زاده)، ج ۱، تهران، نشر ناب، ۱۳۶۹.
۸. سه‌رودی، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، مقدمه و تصحیح هانری کرین، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۹. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة، قم، مکتبه المصطفوی، ۱۳۶۸.
۱۰. _____، مفاتیح الغیب، تصحیح محمد خواجه‌ری، تهران، مؤسسه تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳.
۱۱. طباطبایی، محمدحسین، نهاية الحکمة، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم، ۱۴۱۶ق.
۱۲. عباس‌زاده جهرمی، محمد، ۱۳۹۰، مقایسه ذهن و هوش مصنوعی، جهرم، بنیاد پژوهشی فرهنگی پیمان قدیر.
۱۳. فروغی، محمد و دیگران، ادراک بصری در هوش مصنوعی و فلسفه ذهن، دوفصلنامه علمی-ترویجی معارف عقلی، پیاپی ۳۴، بهار و تابستان ۱۳۹۶.
۱۴. قائمی‌نیا، علیرضا، دین و هوش مصنوعی، مجله ذهن، پیاپی ۲۵، ۱۳۸۵.
۱۵. مؤمن‌نژاد، آیدا، آگاهی، هوشمندی و هوش مصنوعی، مجله اطلاع‌شناسی، شماره ۴، تابستان ۱۳۸۳.
۱۶. مطلبی کرکندی، حسین و دیگران، بررسی فلسفی امکان تحقق هوش مصنوعی قوی با توجه به دیدگاه‌های مختلف در مسئله ذهن و بدن، مجله فلسفه ذهن، دوره ۱۱ شماره ۱، بهار ۱۳۹۳.
۱۷. مطلبی کرکندی، حسین و دیگران، بررسی کارکرد هوش مصنوعی ضعیف در اقسام علم و آگاهی با توجه به مبانی معرفت‌شناسی صدرائیان، فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، پیاپی ۵۵، تابستان ۱۳۹۴.
۱۸. مطهری، مرتضی، مقالات فلسفی، چاپ دهم، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۶.

۱۹. مظفر، محمد رضا، المنطق، چاپ هفتم، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۸۸.

20. Herbert Dreyfus, **what computers can't do**, 1973
21. Herbert Dreyfus, **What Computers Can't Do: A Critique of Artificial Reason**, 1979
22. Edition, Detroit, **Thomson Gale**
23. Borchert, Donald (2006), **Encyclopedia of Philosophy**, volume2, Second
24. James Fetzer, **Artificial Intelligence: Its Scope and Limits**, 1990
25. John R. **Searle, Minds, Brains, and Programs**, **The Behavioral and Brain Sciences**, vol. 3. Copyright 1980 Cambridge University Press.
26. MICROSOFT, 2022/02/02, »RandomClass«, MICROSOFT, <https://docs.microsoft.com/en-us/dotnet/api/system.random?view=net-6.0>



The rational sciences researches
Vol.1, No.1, Autumn and Winter 2024

—Specialized article—

An Analytical Assessment of the idea of Conceptual Parity between Artificial Intelligence and the Human Soul

Mohammad Mahdi Oveisi¹

Abstract

Nowadays, artificial intelligence and advanced computers are an integral part of every human's life, and many people's lives and jobs are governed by artificial intelligence. One of the most important issues in the field of artificial intelligence is the idea of the similarity of artificial intelligence with the human ego, that is, can we expect artificial intelligence to perform exactly the same as human's soul? Since this question is almost a new problem, either there are no suitable answers in this field or the existing answers are non-researched. For this reason, the present article evaluates the existing criticisms and evaluates the theory of similarity according to the connectionist point of view using a rational-analytical method and based on Islamic philosophy and Western philosophy. The result obtained from the present research is that artificial intelligence does not match the human soul according to both Islamic and Western philosophy, and the reason for this is the impossibility of matching artificial intelligence with humans in terms of human discretion and the lack of similarity in the nature of knowledge and perception.

Keywords: Human Perception, Faculties of the human soul, Artificial intelligence, Faculty of Free Will.

Received Date: 2023/11/03

Accepted Date: 2024/09/03/

1. Level 2 and 3 continuous student of Islamic Philosophy and Theology, Nawab High School of Theology, Mashhad (Corresponding Author).
mohammadmahdioveisi1@gmail.com